

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره اول - بهار ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۱

کارکردهای هنری گل و گیاه در شعر حافظ، سبکی جدید در مضمون آفرینی (ص ۳۳۸ - ۳۲۹)

محمد ایرانی^۱ (نویسنده مسئول)، زهرا منصورى^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۶
تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۴

چکیده:

کارکردهای هنری گل و گیاه بمعنی بررسی هنرهایست که با محوریت گلها و گیاهان در اشعار هنرمندانه حافظ شکل گرفته؛ هنر بهره‌گیری مناسب از ابزارهای بیانی و بدیعی و در واقع هنر چگونگی بکارگیری زبانی ادبی بعنوان وسیله و ابزار نمایش مضامین مورد نظر او. در میان اشعار حافظ ابیات پرشماری به چشم میخورد که وی در آنها با استفاده از گلها و گیاهان، مضامین متعددی را در پوششی از هنرهای گوناگون می‌آفریند؛ هنرهایی که در سبک والای حافظ دارای جایگاه ویژه‌ای است. با این تمهیدات میتوان اهمیت و ارزش طبیعت‌گیاهی را در نظر این شاعر بلند آوازه دریافت. اما هنر حافظ در آن است که با زبانی شاعرانه و ترفندی رندانه - که ذاتی اوست - مفاهیم انسانی، اخلاقی و اعتباری ژرفی می‌آفریند که همواره دغدغه فکری بشر بوده و هست؛ تصویر پردازیهای بدیع و هدفمند او از عناصر طبیعی، دستمایه‌ای برای آفرینش و پرورش مضامین عالی گردیده است و همین موجب برجستگی کلام و چند بُعدی بودن شعر او شده و از او شاعری فراملی و جهانی ساخته است.

کلمات کلیدی :

شعر حافظ، هنر، گل و گیاه، مضمون آفرینی، ابزارهای بیانی و بدیعی.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه moham.irani@yahoo.com

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی Zahra-mansuri@yahoo.com

مقدمه:

تحقیقات و پژوهش‌های بعمل آمده درباره حافظ و شعر او بسیار است، اما اندیشه‌های بلند این شاعر پُرآوازه فارسی در باغ سرسبز سخن پارسی همچنان رازناک و رمزگونه پابرجاست و محققان را بر آن میدارد تا زوایای پنهان این اندیشه‌ها را در اشعار پربار او هویدا نمایند. مقاله موجود، نگاه حافظ به گلها و گیاهان را از پنجره طبیعت نشان داده و سعی دارد اشعار زیبای این شاعر آزاداندیش را با محوریت گل و گیاه، مورد بررسی بلاغی قرار دهد و هنرهای موجود در آنها را به تصویر بکشد؛ هنرهایی که در خدمت مضمون‌آفرینیهای حافظ قرار گرفته و یاریگر او در بیان هرچه زیباتر اندیشه‌ها، باورها و در واقع جهان‌بینی و نگرش او بدنیای پیرامون است. تاکنون پژوهشی که ویژه پیجویی و پیگیری اینگونه نگرش حافظ به طبیعت نباتی و مضمون‌پروریهای او در غزلسروده‌هایش به مدد این عناصر باشد، بدست نیامد. خسرو فرشیدورد (۱۳۵۷) در بخشی از «گلستان خیال حافظ» به بررسی ساختار بلاغی تشبیهات و استعاره‌های دیوان حافظ نظر داشته و طیبه فدوی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی و تحلیل تصویر طبیعت در اشعار حافظ» فرهنگواره‌ای از تمامی عناصر طبیعی زمینی و آسمانی بکار رفته در دیوان حافظ را - با تکیه بر عناصر خیال - استحصال نموده است. ما در این مقاله سعی داشته‌ایم نقش برجسته گل و گیاه را در میان دیگر عوامل طبیعت به مخاطبان عرضه نماییم و درواقع با بررسی مضامین برخاسته از آنها، بگونه‌ای منعکس‌کننده نگاه متمایز حافظ به این دسته از عوامل طبیعت باشیم. درواقع با توجه به اینکه در بین (۴۹۵ غزل) حافظ، (۲۸۲ غزل) دربرگیرنده گلها و گیاهان است و حافظ در این (۲۸۲ غزل)، (۴۹۹ بیت) را خصوصاً به گلها و گیاهان، اختصاص داده است - با توجه به فراوانی این ارقام در شعر حافظ - جایگاه ویژه طبیعت گیاهی در ذهنیت حافظ که خود را در هیأتی از هنرهای شاعرانه در زبان او پدیدار نموده است نیز آشکار میگردد؛ از اینجاست که نگارندگان پژوهش حاضر، سعی داشته‌اند مضمون‌آفرینیهای حافظ را با تکیه بر گرایشهای خاص او به گلها و گیاهان، تحت عنوان بخشی کلی به‌مراه زیر بخشهای آن مورد بررسی قرار دهند.

مضمون آفرینی در سبک حافظ

در ابیات گیاه مدارانه حافظ، یعنی ابیاتی که در آنها گیاهان مرکز توجه حافظ بوده‌اند، مضامینی به چشم می‌خورد که بگونه‌ای انعکاس دهنده نوع نگاه حافظ به طبیعت و محوریت داشتن گیاهان در ذهن و اندیشه اوست؛ چرا که این مضامین تا حد زیادی دربرگیرنده جهانبینی خاص حافظ است بنابراین می‌تواند بیانگر اهمیت فراوان گل و گیاه در نظر این شاعر طبیعت‌گرا باشد.

حافظ بمدد انواع هنرهای بلاغی همچون تشبیه، شخصیت‌بخشی، رمز‌گرایی، ایهام، تلمیح و ... مضامینی زیبا و نغز می‌افزیند. ما اصلیت‌ترین مضامین موجود در ابیات گیاه محور او را طبقه‌بندی نموده‌ایم تا در نهایت بتوانیم به شیوه‌ای مؤثرتر و بهتر، نوع نگاه و دید خاص این شاعر را نسبت به جهان پیرامون و در واقع اعتقادات و باورهای او را در معرض دید مخاطبان قرار دهیم. همچنین ما در هریک از موارد، بمنظور اختصار کلام بذکر نمونه‌های معدودی بسنده کرده‌ایم؛ این درحالیست که شواهد مثال هریک از این موارد در شعر حافظ کم نیست.

۱- گیاهوارگی معشوق در غزلهای حافظ

دنیای حافظ، دنیاییست که حتی انسانها نیز در آن گیاهواره میشوند؛ با دقت در اشعار او معشوقی گیاهواره در نظر ما مجسم میشود که اندامهای او در تقابل با گلها و گیاهان قرار میگیرد. به این پدیده که اندامهای معشوق را در تقابل با عوامل طبیعی قرار میدهند، ارگانومی *organomy* گفته میشود. در واقع «اگر به جوهره اشعار غنایی خصوصاً غزل توجه کنیم اهمیت و نقش ارگانومی و تأثیر آن در شکل‌گیری این قالب و محتوای شعری آشکار خواهد شد. بی‌تردید حجم زیادی از مفاهیم، تصاویر و مضامین شعرهای غنایی از صورت و اندام معشوق، پرداخته میشود و کمتر غزلی بدون این مصالح و مواد اصلی میتوان یافت» (اسپرهم: ۱۳۸۳: ۳). در غزلهای حافظ نیز سملهای طبیعی فراوانی به چشم می‌خورد که نمایانگر گیاهواره بودن معشوق در نگاه اوست مانند: سنبل و بنفشه بعنوان نمادی از زلف معشوق؛ نرگس، چشم او؛ غنچه، دهانش؛ سیب، زنخدانش و ... اما این مضمون از طریق بکارگیری هنرهای دیگری نیز در شعر حافظ نمود یافته است؛

خوش چمنی است عارضت خاصه که در بهار حسن حافظ خوش کلام شد مرغ سخن سرای تو
(غ/۴۱۱ب/۸)

در بیت بالا، شاعر با استفاده از تشبیهاتی زیبا، ادعای همسانی معشوق با طبیعت گیاهی را به اوج میرساند.

۲- تحقیر نمادهای طبیعی بمنظور برتری دادن به معشوق

حافظ در ابیات زیر، با استفاده از ترفندهای هنری گوناگونی مانند: ایهام (تاب داشتن از بنفشه)، تشبیهات مضمیر تفضیلی، همچنین شخصیت بخشی به عوامل طبیعت، معشوق خود را برتری میبخشد؛

ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او زند دم تو سیاه کم بها بین که چه در دماغ دارد
(غ/۱۱۷ب/۳)

نرگس طلبد شیوه چشم تو زهی چشم مسکین خیرش از سر و در دیده حیا نیست
(غ/۶۹ب/۴)

ننگرد دیگر به سرو اندر چمن هرکه دید آن سرو سیم اندام را
(غ/۸ب/۸)

ز شرم آنکه به روی تو نسبتش کردم سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت
(غ/۱۶ب/۷)

۳- نمایش بقراریهای عاشق با استفاده از ویژگیهای گیاهان

خواجه شیراز، در ابیات پرشماری با استفاده از مشخصات بارز هریک از گلهای گیاهان بیتابی و بقراری خود را نشان میدهد و در اکثر موارد، این صنایع تشبیه، شخصیت بخشی و ایهام هستند که بخوبی بیانگر هدف او میباشند؛ همچنانکه در ابیات نمونه مشاهده میکنیم؛
دل ما به دور رویت ز چمن فراق دارد که چو سرو پای بند است و چو لاله داغ دارد
(غ/۱۱۷ب/۱)

صبا ز حال دل تنگ ما چه شرح دهد که چون شکنج ورقهای غنچه توربتوست
(غ/۵۸ب/۳)

چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم
(غ/۳۲۲ب/۸)

۴- بیوفایی دنیا و ناپایداری آن

در ابیات زیر نگاه حافظ بدنیای، بمثل چمنی است که پایداری و ثباتی در آن وجود ندارد؛ در اینجا نیز حافظ با استفاده از هنرهایی مانند: تشبیه مفصل، شخصیت بخشی، ایهام خوانشی (گلی بوده است یا سمنی) و ایهام تناسب (هزار) مقصود خویش را بیان میکند؛

ز تندباد حوادث نمیتوان دیدن	در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
	(غ/۴۷۷ب/۵)
بهار عمرخواه ایدل و گرنه این چمن هر سال	چو نسرین صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد
	(غ/۱۱۵ب/۵)
رسم بد عهدی ایام چو دیدابربهار	گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد
	(غ/۱۷۶ب/۷)

۵- بیان طنز و انتقاد اجتماعی

دوستان، دختر رز توبه ز مستوری کرد	شد سوی محتسب و کار بدستوری کرد
لاله ساغرگیر و نرگس مست و برما نام فسق	داوری دارم بسی یارب که را داور کنم
	(غ/۳۴۶ب/۴)
امام خواجه که بودش سر نماز دراز	به خون دختر رز خرقه را قصارت کرد
	(غ/۱۳۲ب/۴)

شاعر در بیت نخست از طریق شخصیت بخشی به دختر رز (استعاره از شراب) در واقع نوعی انتقاد در سطح دینی و اجتماعی انجام داده و در بیت دوم، شخصیت انسانی بخشیدن به گل‌های لاله و نرگس، طنزی زیبا در کلام او ایجاد نموده است. در بیت سوم نیز از طریق استعاره زیبا (خون دختر رز)، همچنین ایهام تبادر (قصارت) با توجه بواژه دراز در مصرع نخست، انتقادی کوبنده را طرح می‌افکند.

۶- استعلا و جوه زیبایی معشوق بر مظاهر اعتقادی دینی (هنجارشکنی اعتقادی)

به خلدم دعوت ای زاهد مفرما	که این سبب زرخ زان بوستان به
	(غ/۴۱۹ب/۶)
مَت سدره و طوبی ز پی سایه مکش	که چو خوش بنگری ای سرو روان این همه نیست
	(غ/۷۴ب/۳)
سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض	به هوای سر کوی تو برفت از یادم
	(غ/۳۱۷ب/۴)

حافظ از طریق بکارگیری سمبل‌های طبیعی (natural symbols) همچون: سب و سرو و ایهام تبادر (به) با نظر به سبب در بیت نخست، همچنین ایهام تناسب (هوا) در بیت سوم، مظاهر عالی اعتقادی و آرمانی را در قیاس با معشوق خود و با نیت برتری بخشیدن به او، در سطح پائینتر ارزشی قرار می‌دهد و به سُخره می‌گیرد. در نگاه ناآشنایان، سخن او

تعریضی و کنایه‌آمیز بنظر میرسد و او را تابو شکنی، (tabu/taboo) ملامتی می‌یابند که باورهای موجود را به هیچ‌میشمارد؛ اما آشنایان با ذهن و زبان حافظ، دیدگاه انتقادی او را در این ابیات رندانه درمی‌یابند.

۷- هنجارشکنی در بُعد زمان

شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد دفتر نسرين و گل را زينت اوراق بود
(غ/۲۰۶ب/۱)
نه این زمان دل حافظ در آتش هوسست که داغدار ازل همچو لاله خودروست
(غ/۵۸ب/۹)
نبود چنگ و رباب و نیید و عود که بود گل وجود من آغشته گلاب و نیید
(غ/۲۳۸ب/۴)

در بیت اول حافظ با استفاده از تلمیح به آفرینش آدم، شهرت شعر خویش را برتر از زمان محدود و معین میداند؛ در بیت دوم از طریق مانند نمودن خود به لاله داغدار، پیدایش عشق خویش را در زمان نامحدود ازلی، جاودانه مینماید. و در بیت سوم نیز به نوعی پیدایش خویش را به زمان بی‌آغاز میرساند؛ نکته جالب توجه استفاده رندانه از ایهام تبادل (گل) است که با نظر به اجزای دیگر بیت، واژه گل را به ذهن می‌آورد و این امر جدا از دیگر صنایع بدیعی مانند: انواع جناس و تکرار موسیقایی در کلام اوست.

۸ - پند و اندرز

هرکو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید در رهگذار باد نگهبان لاله بود
(غ/۲۱۴ب/۸)
درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
(ب/۱۱۵)
روی جانان طلبی آینه را قابل ساز ورنه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی
(غ/۴۸۵ب/۶)

در این ابیات، حافظ چون واعظی است که با استفاده از مظاهر طبیعت به پند و اندرز مخاطب خویش می‌پردازد. او در این میان نیز از صنایع مختلفی مانند: اسناد مجازی (کاشتن مهر و چیدن گل خوبی)، ایهام (لاله)، تشبیهات بلیغ (درخت دوستی و نهال دشمنی)،

واج آرایی (آ)، همچنین به کارگیری تمثیل (در بیت سوّم) در جهت مؤثرتر نمودن سخن خویش استفاده میکند.

۹- تقدیرگرایی

مکن درین چمنم سرزنش به خودرویی چنان که پرورشم میدهند میرویم
(غ ۳۷۹/ب ۵)
در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری و آن پرده‌نشین باشد
(غ ۱۶۱/ب ۷)
من اگر خارم و گر گل چمن آرایی هست که از آن دست که او میکشدم میرویم
(غ ۳۸۰/ب ۳)

نظریه تقدیرگرایی تاریک خیّامی که از جمله باورهای حافظ شیرازی نیز هست، در چندین بیت از طریق بکارگیری صفات و ویژگیهای گیاهی در اشعار پر بارش بیان گردیده است. در این ابیات نیز حافظ با زبانی هنری و از طریق صنایعی مانند: شخصیت بخشی، لفّ و نشر مشوّش، تشبیه جمع و تناسباتی زیبا، عقیده خویش را در باب قضا و قدر بیان میکند.

۱۰- دم غنیمتی بودن

چون می از خم به سبو رفت و گل افکند نقاب فرصت عیش نگهدار و بزن جامی چند
(غ ۱۸۲/ب ۳)
ز روی ساقی مهوش گلی بچین امروز که گرد عارض بستان خط بنفشه دمید
(غ ۲۳۹/ب ۵)
به دور گل منشین بی شراب و شاهد و چنگ که همچو روز بقا هفته‌ای بود معدود
(غ ۲۱۹/ب ۳)

با توجه به فراوانی استعمال این باور در اشعار خواجه، میتوان به جرأت گفت که این اندیشه از جمله بنیادین‌ترین مضامین مورد نظر حافظ در بکارگیری گلها و گیاهان است که اندیشه اغتنام فرصت خیّامی را فرایاد می‌آورد. حافظ در ابیات شاهد مثال با بکارگیری هنرهایی مانند: جان بخشی، استعاره (گل در بیت دوّم)، اضافه استعاری (عارض بستان)، اضافه تشبیهی (خط بنفشه)، تناسبات در بیت سوّم و همچنین صنعت تشبیه، کلام خویش را زینت بخشیده است.

۱۱- اظهار تفاخر

حافظ از زمره شاعرانی است که تفاخر خود را با الفاظی فاخر و تأثیرگذار بیان میکند؛ استفاده از گلها و گیاهان برای بیان نمودن این تفاخر نیز امری قابل توجه میباشد چرا که بخوبی بیانگر اندیشه‌های گیاهمدارانه اوست؛

حافظ چه طرفه شاخ نباتیست کلک تو کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکر است
(غ/۳۹ب/۱۰)

در این بیت شاعر با استفاده از هنرهای تشبیه (کلک به شاخ نبات) و استعاره (میوه = فایده و تأثیر) سخن خود را جذابتر مینماید.

چو در گلزار اقبالش خرامانم بحمدالله نه میل لاله و نسرين نه برگ نسترن دارم
(غ/۳۲۷ب/۹)

در بیت بالا نیز حافظ با بهره‌گیری از تناسب میان گلهای، اضافه تشبیهی (گلزار اقبال)، ایهام تناسب (برگ) و نیز واج‌آرایی در حرف (ن) که بگونه‌ای پنهان و منحصر به سبک حافظ بی‌رغبتی و بی‌میلی را که در مصرع دوم با واژه «نه» بیان گردیده است تقویت مینماید؛ همه و همه را در بیان نوعی تفاخر به معشوق خویش بکار بسته است.

۱۲- دعا و نفرین با استمداد از گیاهان

یارب به وقت گل‌گنه بنده عفو کن وین ماجرا به سرو لب جویبار بخش (غ/۲۷۵ب/۵)
هر سرو که در چمن درآید در خدمت قامت نگون باد (غ/۱۰۷ب/۳)
در ابیات مذکور شاعر از طریق شخصیت انسانی بخشیدن به سرو که در بیت نخست نیز آن را با ایهام تبادر (لب جویبار) تقویت میکند، در واقع برای راز و نیاز با خداوند نیز از طبیعت گیاهی بهره میگیرد.

۱۳- بیان سوگند

به سر سبز تو ای سرو که گر خاک شوم ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز (غ/۲۶۴ب/۴)
استفاده از گلهای و گیاهان برای بیان سوگند در شعر حافظ امری مهم و قابل توجه است چرا که سوگند بمظاهر طبیعت در قرآن کریم نیز از جمله سوگندان مغلظ میباشد؛ لذا حافظ با استفاده از این سوگند، حافظ قرآن بودن خویش را به مخاطبانش یادآور میگردد. اما شخصیت بخشیدن به سرو که در واقع استعاره‌ای از معشوق سرو قامت او قرار گرفته، همچنین واج‌آرایی در حرف (س) و نیز قسم یاد کردن به (سر سبز سرو) که بر سبز بودن تأکید می‌ورزد، هنرمندی حافظ را در بیان هرچه زیباتر سخن خویش نمایان می‌سازد.

۱۴- اظهار امید

حافظ ابیات فراوانی نیز در ضمن توجه به طبیعت گیاهی بمنظور بیان اندیشه‌های امیدوارانه خود دارد؛ بطور مثال او با استفاده از جان‌بخشی، حسن تعلیل ادبی، استخدام (کار بسته در بیت دوّم و از غنچه بیرون آمدن در بیت سوّم) و تشبیهات جمع در این ابیات، بیانی ادبی را برای تحقّق اندیشه‌هایش برمیگزیند.

غنچه گو تنگدل از کار فروسته مباش / کز دم صبح مددیابی و انفاس نسیم (غ/۳۶۷/ب۷)
دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن / که باد صبح نسیم گره گشا آورد (غ/۱۴۵/ب۳)
چندان چو صبا بر تو گمارم دم همّت / کز غنچه چو گل خرم و خندان بدرآیی (غ/۴۹۴/ب۵)

نکته‌ای جالب توجه نیز در ابیات مورد نظر ما به چشم می‌خورد و آن این است که حافظ در نگاهش به غنچه گویی صفاتی متناقض را در آن مشاهده میکند؛ چرا که از یک طرف نظر به تنگی و فروستگی غنچه دارد - آنچه یادآور دلی تنگ و غمگین در ابیات فراوان دیگری است - و از طرف دیگر این بستگیست که در نهایت فراخی و گشایش را در پی دارد و نگرش امیدوارانه او را تقویت میکند.

نتیجه:

در سبک خراسانی توصیف صحنه‌های طبیعی از طبیعت پیرامون در فصول مختلف - بویژه بهار - بسیار به چشم می‌خورد. اما در این سبک، اغلب تصویرها سطحی هستند یعنی جهان و اشیاء همانگونه که هستند در ذهن بازتاب می‌یابند و خیال شاعر در آنها چندان تصرفی نمیکند، بلکه ذهن او همچون آینه در برابر طبیعت قرار می‌گیرد و طبیعت را همانگونه که هست بازمینمایاند. در سبک عراقی که تکامل یافته و تغییر یافته سبک خراسانی است، شاعران خود را از طبیعت جدا نمیدانند بطوری که توصیفات آنها از طبیعت برای بیان اغراضی عالیتر بوده و بشکلی هدفمند بکار گرفته شده است. حافظ نیز که از نمایندگان برجسته این سبک است، نگاهی خاص و کاملاً متمایز به طبیعت دارد؛ نگاهی که ساده و طبیعی نیست. او با نگاهی منحصر به فرد، طبیعت را جاندار و ذی روح و گل و گیاه را انسانواره می‌بیند. در شعر او بکارگیری عناصر طبیعت - بویژه گلها و گیاهان - وسیله‌ای

برای ره بردن بدنیای تجربه‌های عمیق و رازگونه است که بگونه‌ای هنرمندانه در خدمت آفریدن مضامینی قرار گرفته است که بنیان تفکرات و عقاید او را تشکیل می‌دهند. هنر حافظ در اینست که با زبانی شاعرانه و ترفندی رندانه - که ذاتی اوست - مفاهیم انسانی، اخلاقی و اعتباری ژرفی آفریده که همواره دغدغه فکری بشر بوده و هست. در واقع تصویر پردازیهای بدیع و هدفمند او از عناصر طبیعی، دستمایه‌ای برای آفرینش و پرورش مضامینی عالی گردیده و همین موجب برجستگی کلام و چند بُعدی بودن شعر او شده است؛ امری که راز ماندگاری نام و سخن حافظ را با خود دارد.

فهرست منابع:

- ۱- اسپرهم، داود (۱۳۸۳)، ارگانومی در شعر حافظ و سعدی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۳ و ۱۴، ش ۴۸ و ۴۹، ص ۱۹-۱.
- ۲- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۸)، دیوان، بکوشش قاسم غنی و محمد قزوینی، ج ۷، تهران: انتشارات زوآر.
- ۳- فدوی، طیب (۱۳۷۶)، بررسی و تحلیل تصویر طبیعت در اشعار حافظ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر اسماعیل حاکمی.
- ۴- فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۷)، در گلستان خیال حافظ، تهران: انتشارات بنیاد نیکوکاری نوریانی.